

ابریشم در عصر قاجار و تجارت آن از طریق دریای خزر با تکیه بر اسناد آرشیوی (۱۲۴۳-۱۳۲۷ق. / ۱۸۲۸-۱۹۰۹م.)

سید رحمان حسینی*

چکیده

ابریشم، یکی از اقلام صادراتی ایران از گذشته‌های دور بخصوص از زمان صفویه تا اواخر دوره قاجاریه به حساب می‌آمد. این فرآورده در عصر قاجار به لحاظ تولید، کمیت و کیفیت، فراز و نشیبهای زیادی داشته است. باین وجود، نقش و اهمیت بنیادی آن را در تجارت ایران نباید نادیده گرفت. ابریشم در کنار محصولات دیگری نظیر پنبه و پوست، نقش مهمی در مناسبات بازرگانی ایران ایفا می‌کرده است. بخشی از تجارت ابریشم ایران، از طریق بنادر جنوب ایران مانند بندرعباس و بوشهر صورت می‌گرفت. علاوه بر این به واسطه نزدیکی مناطق ابریشم‌خیز شمال کشور بویژه گیلان (کانون ابریشم ایران) به روسیه و وجود راه آبی دریای خزر و مرزهای زمینی نظیر راههای تبریز- جلفا - ایروان- تفلیس و یا تبریز- خوی- ارزروم - طرابوزان، بخش عمده‌ای از تجارت ابریشم ایران از طریق راههای مذکور بخصوص از طریق دریای خزر و بنادر آن انجام می‌گرفته است. به همین دلیل، در این تحقیق سعی شده با استناد به اسناد بازمانده از دوره مورد تحقیق و آثار مؤلفانی که در عصر قاجار در مورد ابریشم ایران به نگارش درآمده است، ابریشم و تجارت آن در عصر قاجار بویژه از راه دریای خزر در بازه زمانی ۱۲۴۳-۱۳۲۷ق. / ۱۸۲۸-۱۹۰۹م. مورد ارزیابی و تحلیل قرار گیرد. به طور کلی تحقیق حاضر، با تکیه بر اسناد و داده‌های آماری، ابریشم و تجارت آن را در ایران عصر قاجار و از راه دریای خزر، بحث و بررسی می‌کند.

کلید واژه‌ها:

ایران، قاجاریه، تجارت، ابریشم، دریای خزر.

* کارشناس ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی.

مقدمه

یکی از کالاهای تجاری ایران - که در طول تاریخ، کشورهای اروپائی را به خودش جلب کرد - ابریشم بود. ابریشم ایران بخصوص ابریشم گیلان، همواره مورد توجه اقوام تاجرپیشه مانند ونیزیها بوده است. از زمان صفویه و به علت نقش ارزنده و تأثیرگذار ابریشم در تجارت ایران، این کالا بیش از پیش وارد مرحله نوین شد.

به دلیل اهمیت ابریشم ایران و نقش کلیدی آن در مناسبات تجاری ایران با کشورهای نظیر پرتغال، هلند، انگلستان و فرانسه، بسیاری از سیاحان و جهانگردان و نویسندگان از زمان صفویه به بعد تا اواخر قاجار در مورد ابریشم ایران قلمفرسائیها کرده‌اند. سیاحانی همچون شاردن و اولتاریوس در زمان صفویه و یا نویسندگانی چون جرج.ن. کرزن، ه. ل. رابینو، ف. لافون و محمدعلی جمالزاده در عصر قاجار اطلاعات مفید و ارزشمندی در مورد ابریشم به دست داده‌اند. علاوه بر این، اسناد زیادی از دوره قاجار در قالب قراردادهای تجاری و اختلافات مالی موجود است که دال بر نقش آفرینی ابریشم در تجارت و مناسبات بازرگانی ایران می‌باشد.

در عصر قاجار، ابریشم همانند گذشته مورد توجه کشورهای اروپائی بوده است. این فرآورده، علاوه بر آنکه از طریق بنادر جنوب (خلیج فارس) مانند بندرعباس و بوشهر به خارج صادر می‌شد، از طریق مناطق سرحدی شمال، بخصوص از راه دریای خزر و بنادر آن، بویژه از بندر انزلی به روسیه و حتی به صورت ترانزیت از روسیه به اروپای شرقی صادر می‌گردیده است.

ابریشم، در عصر قاجار افت و خیزهای بسیاری پشت سر گذاشت. در این تحقیق سعی شد علاوه بر تجزیه و تحلیل تجارت ابریشم در دوره قاجاریه، به تجارت ابریشم از طریق دریای خزر پرداخته شود.

ابریشم و تجارت آن پیش از قاجار بنا به گفته مورخان و جغرافیدانان گذشته مانند ابن‌حوقل، اصطخری، یاقوت حموی و قزوینی، ابریشم در ابتدا در منطقه مرو به عمل می‌آمد؛ آنگاه به مناطق شمال ایران (کناره‌های دریای خزر) گسترش پیدا کرد. در فاصله سده ششم تا دهم میلادی، تولید و پرورش کرم ابریشم و دریافت پيله از آن بتدریج از مرو به گرگان و طبرستان (مازندران) و از آنجا به گیلان راه یافت. سپس از نواحی شمالی به مناطق مرکزی کشور رواج پیدا کرد. به طوری که از قرن ۴ تا ۱۰ ق. / ۱۰ تا ۱۴ م.، ابریشم در بیش تر مناطق ایران پرورش می‌یافت.^۱

ابریشم، یکی از فرآورده‌های صادراتی ایران از گذشته‌های دور بخصوص در دوره صفویه بوده است. مارکوپولو، جهانگرد نام‌آشنای ایتالیائی - که در اواخر قرن ۷ ق. / ۱۳ م. به ایران آمده است - اشاره کرده که بازرگانان و تجار جنوائی در آن عصر در دریای خزر کشتیرانی می‌کردند و با ایران مناسبات تجاری داشته‌اند و با مردم گیلان بخصوص در زمینه ابریشم به تجارت مشغول بوده‌اند.^۲ علاوه بر این جنوائیها (ژنها) قصد داشتند با ایجاد خط کشتیرانی، ابریشم شمال ایران و حتی چین را از راه ولگا - دن به اروپا صادر کنند. آنها برای دست یافتن به ابریشم گیلان، تلاش زیادی کردند.^۳

مسیر تجاری گیلان از راه بحر خزر، بخصوص از هسترخان (حاجی طرخان/آستراخان) از دوره صفویه از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار گردید. این مسئله، زمانی که ایران با عثمانی در جنگ بود، بیش تر نمود پیدا کرد. مسیر فوق از آستراخان و از رود ولگا عبور می‌کرد و از راه خشکی به اوکراین می‌رسید. تجارت بین‌المللی از آن راه صورت می‌گرفت. بسیاری از محصولات ایران از جمله ابریشم، به مسکو و بعد به لهستان و از آنجا به اروپا صادر می‌گردید.^۴

دریافت می‌شده که این مسئله، به نارضایتی روسها انجامیده است. در نتیجه، خواستار حذف عوارض افزون بر ۵ درصد شدند.^{۱۱}

در آن زمان، تجار روسی در گیلان فعالیت زیادی داشتند و ابریشم گیلان را از طریق انزلی و از راه دریای خزر و نیز از راه خشکی تبریز- تفلیس به روسیه حمل می‌کردند. در تاریخ ۳ ذیقعد ۱۲۵۳ ق. / ۲۹ ژانویه ۱۸۳۸ م. میرزا مسعود، وزیر امور خارجه ایران، در جواب شرحی که درخصوص تجارت ابریشم گیلان و پرداخت عوارض گمرکی داده بود، تأکید کرد که جز عوارض ۵ درصد، مبلغ دیگری دریافت نشود. در زیر، به قسمتی از این سند اشاره می‌شود:

«شرحی که در بیست و هفتم شهر شوال المکرم ۱۲۵۳ درخصوص گمرک ابریشم گیلان نوشته بودید، رسید و [از نظر] دارالسلطنه مرحمت گستر اعلیحضرت شاهنشاه - خلد مکانه و سلطانه - گذشت. امر و مقرر فرمودند که چون رعایت مشروط عهدنامه مبارکه [ترکمانچای] در این گونه امور بلکه در سایر موارد، بهتر در هر قاعده و قرارداد است، لهذا تجار روس، موافق عهدنامه برای هر متاعی صدی پنج داده ...»^{۱۲}

نماینده تجاری فرانسه در نیمه اول قرن ۱۹ م. / ۱۳ ق. در تفلیس در کنار گزارشهای خود درباره نیاز روسیه به ابریشم و صادرات آن، اطلاعاتی جمع‌آوری کرده است. در این گزارش آمده:

«در روسیه، سالیانه بالغ بر ۴۲,۰۰۰,۰۰۰ فرانک ابریشم‌جات تهیه می‌شود که تقریباً قسمت اعظم آن در خود روسیه مورد استعمال دارد. برای تهیه پارچه‌های ابریشمی، دولت روسیه از ابریشم گرجستان و گیلان و ایتالیا استفاده می‌نماید.»^{۱۳}

در نیمه اول قرن ۱۹ م. / ۱۳ ق.، تولید ابریشم رشد چشمگیری داشته است. در سال ۱۸۴۰ م. / ۱۲۵۶ ق. مقدار محصول ابریشم گیلان پنج ششم محصول

ابریشم ایران، همواره مورد توجه اروپائیان بوده است. از قرن ۱۶ و ۱۷ م. کشورهای نظیر پرتغال، انگلستان، هلند و فرانسه، علاقه خاصی به ابریشم ایران داشتند. در عصر صفویه، نظارت خاصی بر تولید و فروش ابریشم برقرار بود. شاه عباس، در تهیه ابریشم و رشد و تولید آن تلاش وسیعی‌ای انجام داد. به دلیل اهمیت گیلان و مازندران در تولید و پرورش کرم ابریشم، شاه عباس اول مناطق مذکور را به سرزمین خاصه مبدل ساخت.^{۱۴}

اولتاریوس (Olarious)، مقدار سالانه ابریشم ایران را در عصر صفویه ۲۰,۰۰۰ بقچه دانسته که حدود ۷,۲۰۰ خروار بود.^{۱۵} شاردن، جهانگرد معروف فرانسوی، محصول ابریشم ایران را در سال ۱۶۷۰ م. / ۱۰۸۱ ق. حدود ۶۳۳,۰۰۰ من برابر ۱,۹۰۰,۰۰۰ کیلوگرم ذکر کرده است که مقدار ۴۲۳,۰۰۰ من آن در گیلان به عمل آمده بوده است. در سال ۱۷۴۴ م. / ۱۱۵۷ ق. طبق گزارش جوناس هانوی، مقدار محصول ابریشم گیلان شامل ۳۶,۲۳۵ من می‌شد که به دلیل متقاضیان زیاد این محصول، قیمت آن افزایش یافت.^{۱۶}

ابریشم و تجارت آن در عصر قاجار

مهم‌ترین مراکز تولید و پرورش کرم ابریشم در عصر قاجار، ایالات شمالی ایران (گیلان، مازندران و استرآباد)، خراسان، آذربایجان، یزد و کاشان بود.^{۱۷} از میان مناطق فوق، گیلان به تنهایی بیش از ۸۰ درصد تولید و پرورش ابریشم را در اختیار داشت.^{۱۸}

اسناد و مدارک زیادی وجود دارد که دال بر توجه تجار روسیه به تجارت ابریشم در مناطق شمال ایران بخصوص در گیلان است. در سال ۱۸۳۶ م. / ۱۲۵۲ ق. روسها، نسبت به عوارض گمرکی صدور ابریشم معترض شدند. علی‌الظاهر در این زمان علاوه بر عوارض ۵ درصد، از تجار و بازرگانان روس، وجوهات و عوارض دیگری نظیر راهداری

کل ایران (۱,۰۰۰,۰۰۰ پوند) بود که ارزش آن نزدیک به ۵۰۰,۰۰۰ لیره تخمین زده شد.^{۱۴} در سال ۱۸۵۰م. / ۱۲۶۷ق. محصول کل ابریشم ایران حدود ۳۴۰,۰۰۰ من بوده که مقدار ۲۰۲,۴۰۰ من آن جزو صادرات بوده است.^{۱۵} بیشترین مقدار ابریشم ایران (بیش از ۸۰ درصد) در گیلان تولید می‌شد. به عنوان نمونه به گزارش لافون و رابینو در قرن ۱۹م. / ۱۳ق. درخصوص مقدار ابریشم گیلان اشاره شده است. براساس گزارش یاد شده، ابریشم در سال ۱۸۶۵م. / ۱۲۸۲ق.، ۲۲۰ تن؛ در سال ۱۸۸۷م. / ۱۳۰۵ق.، ۱۵۲ تن؛ در سال ۱۸۹۰م. / ۱۳۰۸ق.، ۲۱۰ تن؛ و در سال ۱۹۰۰م. / ۱۳۱۸ق.، ۴۵۰ تن بوده است.^{۱۶}

در سال ۱۸۶۴م. / ۱۲۸۱ق. میزان ابریشم ایران نزدیک به ۲,۱۹۰,۰۰۰ پوند برآورد شده است که ارزش تقریبی آن، ۱,۰۰۰,۰۰۰ لیره بود. از عوامل مهم ترقی رشد مذکور، فعالیت شرکتهای مختلف یونانی نظیر برادران رالی (le frieres Ralli) و پاسکالی یا پاسکالیدس (Pascalidis Freres) و ورود تخم نوغان از خارج بویژه عثمانی بوده است.^{۱۷} اوج تولید ابریشم ایران در اواخر قرن ۱۹م. / ۱۳ق. و در آستانه بیماری کرم ابریشم ذکر گردیده که حدود ۲۸۰,۰۰۰ کیلوگرم برآورده شده است.^{۱۸}

در سال ۱۲۷۵ق. / ۱۸۵۸م. میزان سرمایه‌گذاری در صنعت ابریشم گیلان بیش از ۴,۰۰۰,۰۰۰ تومان (۲,۰۰۰,۰۰۰ لیره) بود.^{۱۹} سالهای ۱۸۶۴ تا ۱۸۹۰م. / ۱۲۸۱-۱۳۰۸ق. دوران کاهش تولید کرم ابریشم و بی‌نوغانی بود که پیامد آن، سقوط محصول ابریشم بوده است. عامل اصلی این پدیده، بروز بیماری کرم ابریشم ذکر گردیده است. این بیماری در اروپا گسترش یافت و بعد از آن به ایران سرایت کرد. البته نوع بیماری در اروپا با ایران فرق داشت. این بیماری را در اروپا ماسکاردین (L.a.muascardin) می‌گفتند «سفید میرو نقل» در فرانسه). اما در ایران

این بیماری کرم ابریشم را «پبرین» (Pebrine) می‌نامیدند که علامتش پیدایش نقاط سیاهی در پوست کرم ابریشم بود.^{۲۰}

به هر حال، این بیماری خسارت زیادی بر پرورش تخم نوغان وارد کرد که باعث شد ایران از کشورهای دیگر از جمله ژاپن، عثمانی و روسیه، نوغان وارد کند.^{۲۱} در ابتدا بیماری کرم ابریشم در گیلان ظاهر گردید، تا جایی که مردم گیلان ناگزیر شدند از مازندران تخم نوغان بیاورند. اما هنگامی که این ناخوشی در کل ایران گسترش یافت، از سال ۱۸۶۹م. / ۱۲۸۶ق. شرکت یونانی رالی و برادران تلاشهای گسترده‌ای کردند تا از ژاپن نوغان وارد کنند.^{۲۲} حتی پیش از وارد کردن تخم نوغان به ایران، پاستور (Pastour)، طبیب نامدار فرانسوی در سال ۱۸۶۷م. / ۱۲۸۴ق.، دستورهائی برای رفع بیماری کرم ابریشم پیشنهاد کرده بود که اگر به آن توجه می‌شد، شاید این بیماری از میان می‌رفت.^{۲۳}

در هر صورت علاوه بر شرکت رالی و برادران، برادران پاسکالی با وارد کردن تخم نوغان از ژاپن، عثمانی (بورسا و خانقین عراق) و روسیه، محصول ابریشم دوباره توانست پا بگیرد. اما رقابت ابریشم ژاپن، قیمتها را پائین آورد. به طوری که صادرات آن از ۴۰۰,۰۰۰ لیره بالاتر نرفت. تا آستانه انقلاب مشروطه و مدتها بعد از آن، همچنان بیش‌تر ابریشم ایران به فرانسه و ایتالیا صادر می‌شد.^{۲۴} ناگفته نماند که مقداری از محصول ابریشم ایران در آن زمان به روسیه صادر می‌شد.^{۲۵} چون به دلیل بیماری، کرم ابریشم در ایران کاهش یافته بود، حکومت ایران تلاش گسترده‌ای در این زمینه انجام داد؛ از جمله می‌کوشید از ایران تخم نوغان به خارج صادر نگردد. در راستای این امر، در رمضان ۱۲۹۳ق. / ۱۸۷۶م. وزارت خارجه ایران خطاب به سفرای دول متحابه نوشت که به جهت افت چندین ساله در تخم نوغان، به ابریشم خسارت وارد شده و تخم

نوغان در ممالک محروسه قلیل الوجود گردیده است. اگر در چنین شرایطی تخم نوغان به خارج فرستاده شود، مواجه با نایابی و گرانی تخم ابریشم می‌شویم. بدین منظور دولت مرکزی، حکم ممنوع بودن حمل تخم نوغان را به خارج اعلام می‌کند. در کنار این جریان، به کارگزاران گیلان و سبزواری و غیره در مورد ممنوعیت صدور تخم نوغان تأکید شده بود.^{۲۶}

البته ورود نوغان تازه با موانعی برخورد کرد. از این رو، وقتی که در سال ۱۲۹۰ ق. / ۱۸۷۳ م. معلوم شد که تخم نوغان سبزواری بهتر از ژاپن تولید دارد، برخی از تجار، نوغان ضعیف را در گیلان می‌خریدند و به تجار سبزواری می‌فروختند و آنها هم دوباره به عنوان نوغان سبزواری در گیلان به فروش می‌رساندند.^{۲۷}

اسناد و مدارک موجود، حکایت از آن دارد که تجار عثمانی بیش‌ترین نقش را در وارد کردن و فروش تخم نوغان به ایران داشتند. آنها در سراسر مناطق شمال ایران بخصوص گیلان و مازندران و حتی خراسان رفت و آمد می‌کردند و عمال آنها به تجارت تخم نوغان مشغول بودند. تجار و اتباع عثمانی، حتی پیش از دوران بحران و رکود ابریشم (دوران رونق آن) در ایران فعالیت داشتند. در سال ۱۲۷۶ ق. / ۱۸۵۹ م. میان استاد گریگور ارمینی، شهروند عثمانی و میرزا محمودخان ناصرالملک قراردادی در مورد تأسیس کارخانه ابریشم‌کشی در گیلان بسته شد^{۲۸} که این خود گویای فعالیت عثمانیها در امر تولید ابریشم ایران بود.

در سال ۱۲۹۵ ق. / ۱۸۷۸ م. هنگامی که تخم نوغان ایران از بین رفت، تخم نوغان ژاپن با حاصل متوسطی باقیمانده بود. تا سال ۱۳۰۸ ق. / ۱۸۹۰ م. همه تخم نوغانی که وارد ایران می‌گردید، ترکیبی از تخم ژاپن و خراسان بوده است.^{۲۹} از آن زمان به بعد، تجار و اتباع یونانی و عثمانی در وارد کردن

تخم نوغان فعالیت شدیدی داشتند. همان طوری که پیش‌تر گفته شد، در پاره‌ای منابع از برخی تجار عثمانی که در امر تجارت تخم نوغان نقش داشته‌اند، به عنوان افراد یونانی یاد شده است مانند پاسکالدیس. در این مورد، می‌توان گفت که تاجران بزرگ و سرشناس یونانی تبار ولی تبعه عثمانی بودند که در تجارت فرآورده فوق، در سراسر مناطق شمالی ایران از جمله در خراسان فعالیت می‌کردند. اسناد و مدارک موجود دال بر تأیید این مسئله می‌باشد. به عنوان نمونه سند زیر را اشاره می‌کنیم:

«سواد حکم وزارت خارجه به منتظم‌الملک،

کارگزار گیلان

۲۲ شهر صفر ۱۳۱۷

به تاریخ شهر صفرالمظفر مطابق سنه تنگوزئیل خیریت دلیل ۱۳۱۷، مرقوم می‌شود؛ چون ترویج تجارت تخم نوغان، منظور نظر اولیای دولت علیه می‌باشد، لهذا عالیجاه عزت همراه، مسیو بزanos و برادران پاسکالدی و مسیو مارکو، تجار تبعه دولت عثمانی، صاحب کارخانه تخم نوغان در رشت اجازه داده می‌شود، علامت شیر و خورشید دولت علیه ایران را در بالای دارالتجاره خود، روی جعبه‌های مال‌التجاره نصب نموده، در ترویج این تجارت مساعی موقوی [؟] به عمل آورد.»^{۳۰}

اوج فعالیت تجار و اتباع عثمانی در تجارت نوغان میان سالهای ۱۳۱۷-۱۳۲۴ ق. / ۱۸۹۹-۱۹۰۶ م. بوده است. اسناد و مدارک زیادی وجود دارد که بازگوکننده این امر است.^{۳۱} برخی از این اسناد، حاوی اطلاعاتی در زمینه اختلافات مالی اهالی گیلان و مازندران با شرکتهای مختلف و بازرگانان عثمانی است، مانند شرکت لاسقاریدیس، پاسکالدیس (Pascallidis) و مسیو پهناچی که امتیاز «نشان مرغ دو سر» را از طرف دولت عثمانی داشت تا بر روی جعبه‌های تخم نوغان چاپ کند. در کنار اینها، از تجار دیگر می‌توان نام برد مانند میرزا هاریطون

کالوستیان (تبعه عثمانی)، مسیو رمادی (Remady) یونانی، اوادیس (Evadis) مسیحی، تبعه عثمانی و سیمون (Simon) و استپان (Stepan)، پسران یوسف بیک (اتباع عثمانی).^{۳۲}

در کنار تجار عثمانی که به تجارت تخم مشغول بودند، باید به تلاش روسها هم در این زمینه اشاره کرد؛ هرچند روسها در آوردن تخم نوغان فعالیت عثمانیها را نداشتند. براساس سند مورخ ۴ ذیقعدۀ ۱۳۱۷ق. ۶/ مارس ۱۹۰۰م، وزارت امور خارجه به ریاست نصرالله مشیرالدوله، طی یادداشتی به منتظم‌الملک، کارگزار گیلان تأکید کرد که رعایای گیلان و تجاری که در تجارت و فروش تخم نوغان با اتباع روسی، قرارداد می‌بندند باید به مهر دولتی مهمور شود تا معتبر گردد. در ضمن، سند معاملات آنها در کارگزاری مهمام خارجه، به امضا و مهر دولتی برسد تا مشکلاتی برای اتباع آن منطقه به وجود نیآورد.^{۳۳}

از تجارتخانه‌های معروف روسی - ایرانی که در تجارت تخم نوغان نقش داشتند، می‌توان از تجارتخانه طومانیانس نام برد.^{۳۴} جدول زیر، واردات تخم نوغان را از سال ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۹ق. / ۱۹۰۷ تا ۱۹۱۱م. از عثمانی و روسیه نشان می‌دهد.^{۳۵} در طول سالهای ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۴ق. / ۱۸۹۹-۱۹۶۰م. و حضور تجار عثمانی، یونانی و روسی در مناطق مختلف گیلان و مازندران (رشت، لاهیجان، لنگرود، بارفروش و ساری) و همین‌طور خراسان میان آنها با اهالی و تجار مناطق مذکور اختلاف

زیادی بر سر خرید و فروش تخم نوغان به وجود آمده بود. دعاوی مالی میان اتباع ایرانی با تجار خارجی از یک طرف و از طرف دیگر، درگیریهائی که میان تجار عثمانی بر سر فروش تخم نوغان وجود داشت، تقلبات در معاملات (تخم نوغان نامناسب و فاسد شده)، بموقع نپرداختن بهای تخم نوغان به بازرگانان دست‌اندرکار و اعتراض اهالی نسبت به قیمت پيله، از اهم مشکلاتی بوده که دولت مرکزی را وادار کرد تا برای تنظیم و تنسيق امورات ابریشم و تجارت تخم نوغان و خرید و فروش پيله ابریشم، دست به یک رشته اقدامات بزند. در اینجا به دو سند در مورد اعتراض اهالی گیلان نسبت به قیمت پيله، اختلافات طوآفان (دوره‌گردان) درخصوص فروش خرده و عمده تخم نوغان و خرابی آن اشاره می‌شود.

سند زیر، نمونه‌ای از اسناد مربوط به فعالیت تجار عثمانی در امر تجارت تخم نوغان [ابریشم]، از جمله لاسقاریدیس است. (همان، کارتن ۲۵، پرونده ۶، اسناد ۱۳۲۳ق.، سند شماره ۱۴)

«راپرت گیلان، اداره تلگراف دولت علیه ایران سالار افخم، مشغول مراقبت انتظام امورات ولایتی و تهیه جشن مولود مسعود همایونی - ارواحنا فداه - هستند. جمعی کثیر از طوآفان در تلگرافخانه و اصطبل دولتی متحصن و متظلمند که ملاکین قیمت پيله را منی سه تومان و شش هزار از ماها گرفته‌اند و حال اینکه مرحوم وزیر دربار، قطع قیمت را با فرنگیها، در منی سه تومان و سه هزار

جدول ۱: واردات تخم نوغان (۱۳۲۵ - ۱۳۲۹ق. / ۱۹۰۷ - ۱۹۱۱م.)

اسم مملکت	قوی‌نیل ۱۳۲۶-۱۳۲۵	پیچی‌نیل ۱۳۲۷-۱۳۲۶	تخاقوی‌نیل ۱۳۲۸-۱۳۲۷	ایت‌نیل ۱۳۲۹-۱۳۲۸
عثمانی	۳,۹۹۰,۷۳۲ قران	۲,۲۶۸,۶۹۰	۲,۴۷۹,۸۱۰	۲,۲۳۳,۷۴۰
روسیه	۱۸۷,۲۵۳	۶۶۶,۶۲۵	۳۵۵,۷۲۶	۳۵۲,۸۱۰

کرده بودند. آنقدر ضرر را قوه تحمل نداریم.

عبدالجواد قاجار

به تاریخ ۱۱ شهر جمادی الثانی ۱۳۲۱»^{۳۶}

اختلافات میان طوفان و تجاری که در امر خرید و فروش تخم نوغان و پیله ابریشم نقش داشتند، باعث گردید که جهت حل اختلافات موجود، مجلسی از سوی کارگزاران وزارت خارجه در گیلان در دوم و چهارم شهر رجب ۱۳۲۳ق. / ۱۹۰۵م. تشکیل گردد. به قسمتی از سند مذکور در ذیل اشاره می‌گردد:

«کارگزاری مهمام خارجه گیلان

مورخه دوم و چهارم شهر رجب

رشت ۱۳۲۳

چون تجار و طواف مدتی در تلگرافخانه مبارکه متحصن بودند، تظلمات کتبی و تلگرافی به طهران نمودند که تخم نوغان از مسیو لاسقاریدیس گرفته، تمام خراب شده است. باید خسارتی که به ما وارد آورده، عهدها کند. همچنین مسیو لاسقاریدیس، برای مطالبات خود به سفارت عارض شد تا اینکه از وزیر امور خارجه و سفیر کبیر عثمانی جواب رسیده، در مجلس کارگزاری مجلس تشکیل یافته، چهار نفر از طرف اشخاصی که تخم نوغان گرفته‌اند و چهار نفر از طرف مسیو لاسقاریدیس حاضر شده، به مطالب طرفین برسند ...»^{۳۷}

از سال ۱۳۰۸ق. / ۱۸۹۰م. دوران بحرانی ابریشم و بی‌نوغانی گذشت و به دلیل رشد فزاینده واردات تخم نوغان از عثمانی، این محصول ترقی پیدا کرد. در این زمینه، محمدخان ناصرالملک تلاش گسترده‌ای انجام داد.^{۳۸} با این وجود، اسناد زیادی موجود می‌باشد که حکایت از مشکلات خرید و فروش تخم نوغان و پیله ابریشم و اعتراض اهالی و تجار در مورد تجارت ابریشم است. که به نمونه‌هایی از آنها اشاره گردید.

دولت مرکزی، جهت رفع معضلات موجود دست به اقداماتی زد. به همین منظور، در تاریخ

۱۷ شوال ۱۳۲۳ق. / ۱۵ دسامبر ۱۹۰۵م. امتیازنامه‌ای با محتشم‌السلطنه از سوی دولت به امضا رسید که هدف آن در امتیازنامه مذکور چنین آمده است:

«برای حفظ حاصل نوغان از خطرات فساد تخم و غیره و رفع خسارت رعایا و ملاکین از این رهگذر و لزوم عمل آوردن این تخم در خود مملکت و رسیدگی به تخم نوغان خارج - که وارد مملکت محروسه می‌شود - چون لازم است ترتیبی داده شود که من بعد این حاصل از هر جهت محفوظ بماند و ترویج شود، انشاءالله تعالی، لهذا به تصویب جناب مستطاب اشرف امجد ارفع عین‌الدوله، اتابک اعظم، امتیاز تخم نوغان در کلیه ایران مطابق فصول ذیل [در ۱۷ فصل] از تاریخ امضای این امتیازنامه، به جناب محتشم‌السلطنه مرحمت و مقرر می‌شود ...»^{۳۹}

به عنوان نمونه، به چندین فصل از این امتیازنامه اشاره می‌شود:

فصل اول - این امتیاز، از تاریخ ذیل [۱۳۲۳ق. / ۱۹۰۵م.] تا پنجاه سال شمسی با مشارالیه و وراث او خواهد بود.

فصل دوم - به صاحب امتیاز است که اولاً تخم نوغان در خود ایران به طور صحت به عمل آورد. ثالثاً در ترویج این حاصل در مملکت محروسه، کمال اهتمام را به عمل آورد. مراقب باشد به صحت به عمل آید.

فصل سوم - تا زمانی که تخم در خود مملکت به قدر کفایت حاصل نشده، چون لازم است تخم نوغان از خارج وارد شود، صاحب امتیاز تخم نوغان صحیح و آنچه وارد شود، با ذره‌بین به ترتیب علمی به توسط مخیرین و معلمین بصیر خبیر معاینه و تفتیش نماید. هرچه صحیح باشد، بعد از زدن علامت صحت بموقع استعمال گردد و هرچه ضایع و خراب باشد، به اطلاع اداره گمرک معدوم نماید.

فصل هفتم - تا یک سال از تاریخ ذیل، صاحب امتیاز باید شروع به تکالیف مقرر نموده و تا هفت

سال به قدر حاجت مملکت تخم نوغان به عمل آورد که رفع حاجت از تخم نوغان خارج بشود.

فصل دوازدهم- از طرف دولت علیه، قدغن و اعلان خواهد شد که هیچکس حق ندارد تخم نوغان بخرد بدون اینکه علامت تفتیش این اداره در آن باشد و اگر کسی خرید، مسئول و مؤاخذ خواهد بود.^{۴۰}

بعد از امتیازنامه مذکور، در همان سال (۱۳۲۳ق.)/ ۱۹۰۵م.) اعلانیه‌ای از طرف اداره مرکزی نظارت بر محصول ابریشم ایران به عموم آقایان ملاکین و تجار و رعایای ممالک محروسه ایران اعلام شد، که برای جلوگیری از فاسد شدن تخم نوغان و فراهم کردن موجبات ترقی و رواج این مالالتجاره و رفع معایب آن و محفوظ نگه داشتن تجار و رعایا از خرابی این محصول، اقدامات سابق که به واسطه محذورات وارده چندی به تعویق افتاده بود، از «هذه السنه اودئیل، در تحت نظر دقت معلم مخصوص این کار - که از فرنگستان اجیر و وارد شده است - از روی اساس علمی تعقیب خواهد شد ...»^{۴۱}

بعد از انتشار اعلانیه مذکور، نظامنامه‌ای از سوی اداره نظارت بر محصول ابریشم ایران تدوین شد. در مقدمه این نظامنامه، آمده است:

«چون محصول ابریشم - که یکی از مالالتجاره [های] بزرگ عالم به شمار می‌آید و مورد توجه دولتهای زیادی است، جهت رفع معایب و ترقی و رواج مالالتجاره و رفع معایب، جلوگیری از فاسد و نکث محصول و صیانت از منافع تجار و رعایا از خرابی این محصول گرانبها، شروع به عملیات شده بود ولی چندی به واسطه پاره [ای] محذورات، در اجرائات آن فترتی حاصل شد، و اینک چون تعقیب آن لازم شمرده شد، برحسب نیت مقدسه اولیای دولت علیه، به تکالیف مقرر آن شروع و به جهت اجرای آن، به نشر این نظامنامه ... مبادرت می‌شود ...»^{۴۲}

نظامنامه اداره نظارت بر محصول ابریشم ایران،

در بیست فصل نوشته شد و ذیل فصل آخر آن، نام محتشم السلطنه آمده است. مهم‌ترین نکات تأکید شده در این نظامنامه را، می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:^{۴۳}

۱- معاینه و امتحان تخم نوغان که وارد خاک ایران می‌شود.

۲- نظارت بر عمل تربیت پيله و صحت آن و تنظیمات تلمبارها و رفع امراض کرم پيله.

۳- تأسیس مدرسه برای آموختن این فلاح.

۴- ثبت اسناد راجع به معاملات این تجارت.

۵- ترویج این فلاح.

۶- در تهران بودن اداره مرکزی نظارت بر محصول ابریشم ممالک محروسه ایران.

۷- درج شیر و خورشید در مهر اداره و نوشتن عبارت «اداره نظارت بر محصول ابریشم ایران و اسم آن محل» در پیرامون آن.

۸- تعیین معلم مخصوص در بنادری که محل ورود تخم نوغان است تا به ترتیب علمی با ذرهبینهای مخصوص، به معاینه و امتحان تخم نوغان پردازد.

۹- ممنوع بودن فروش تخم نوغان در خاک دولت علیه از تاریخ تدوین نظامنامه و اعلام آن در محل و یا حوزه‌ای که اداره نظارت محصول ابریشم است، بدون تمبر دولت بر روی قوطیهای تخم نوغان.

۱۰- ملزم بودن تجار تخم نوغان (داخلی و خارجی) به دارا بودن محل مخصوص برای حفظ تخم نوغان تا این فرآورده ضایع و فاسد نشود. هرگاه تخم نوغان در آن فاسد بشود، به توسط کارگزاران داخلی و مأموران خارجی ضبط و اعلام می‌گردد تا اقداماتی در این زمینه انجام شود.^{۴۴}

در راستای هدف مذکور، قرار شد انبار مخصوصی در کنار انبار گمرک بندر انزلی احداث شود تا توقف تخم نوغان در این بندر، منجر به

ضایع شدن آن نشود.^{۴۵}

دولت مرکزی ایران از طریق اقدامات مذکور، توانست تا اندازه‌ای بر تجارت ابریشم نظارت کند و جلو اختلافات و تقلبات را بگیرد. البته چنانکه در اوایل بحث گفته شد، در گذشته در فاصله سالهای ۱۲۸۰-۱۲۹۰ق. / ۱۸۶۳-۱۸۷۳م. ناصرالملک قراگزلو، در جهت رونق و ترقی ابریشم اقداماتی صورت داده بود.^{۴۶}

در کنار فعالیت یونانیها و یونانیهای که جزو اتباع عثمانی بودند و در امر تجارت تخم نوغان و تجارت ابریشم حضوری فعال داشتند، برخی تجار یونانی دیگر نیز در خدمت فرانسه بودند و در تجارت محصول فوق فعالیت می‌کردند و حتی قراردادهایی با طرفهای ایرانی خود منعقد ساختند. در یادداشت مورخ ۲۰ محرم ۱۳۲۳ق. / ۲۷ مارس ۱۹۰۵م. اشاره شده که مسیو کانکلاری یونانی ساکن لاهیجان، قراردادی با شرکت عمومی در رشت بست و قبول کرد از سال ۱۳۲۱ق. / ۱۹۰۳م. تا مدت پنج سال، همه ساله سه هزار قوطی تخم ابریشم در اختیار شرکت مذکور قرار دهد و آن شرکت هم متقبل شد، سالی ۲,۰۰۰ تومان بابت قیمت تخم نوغان به او بپردازد، که یک قسط آن در ۲۰ مارس ۱۹۰۳م. / ۲۰ ذیحجه ۱۳۲۰ق. باشد. لازم به ذکر است که طبق اسناد موجود، مسیو کانکلاری یونانی، تبعه فرانسه بود که در امر تجارت تخم نوغان و ابریشم فعالیت داشت.^{۴۸} در زیر، به ذکر سندی در این مورد اشاره می‌گردد:

«۱۰ نمره ۶

سواد یادداشت وزارت خارجه به سفارت فرانسه

نمره شهر صفر ۱۳۲۵ [ق. / ۱۹۰۷م.]

یادداشت آن سفارت فخمیه، مورخ ۴ شهر ذیحجه، دایر بر عمل کانکلاری با شرکت عمومی و اصل و از مفاد آن استحضار حاصل آمد؛ اینکه

برای استحضار خاطر آن سفارت مزاحمت می‌دهد که حسب الامر همایونی، عمل حاجی ملکالتجار با شرکای شرکت عمومی، موکول به رسیدگی [گی] مرکب از چند نفر از وزرا و تجار و غیره گردیده است. همین اوقات، این مجلس منعقد و به کلیه این کارها رسیدگی خواهد نمود، البته پس از انعقاد مجلس مزبور، ضمناً نیز در این عمل مداخله خواهد شد (محمدعلی - وزارت جلیله خارجه)^{۴۹}

علاوه بر صدور ابریشم ایران به روسیه، بخش عمده‌ای از محصول ابریشم به فرانسه و ایتالیا صادر می‌شد. اسناد و مدارک، گویای امر مذکور است. در تاریخ مارس ۱۹۰۶م. / محرم ۱۳۲۴ق. شرکت مستعمراتی ایتالیا، اداره مرکزی شرکت میلان، به منظور خرید و فروش تخم نوغان و ابریشم، طی قراردادی با دولت علیه ایران، در رشت شعبه‌ای دایر کرد و در تجارت ابریشم ایران بخصوص گیلان به فعالیت پرداخت.^{۵۰}

براساس نوشته سفارت ایران در واشنگتن به تاریخ ۲۳ محرم ۱۳۲۳ق. / ۳۰ مارس ۱۹۰۵م. مقدار محصول ابریشم ایران در سال ۱۹۰۲م. / ۱۳۲۰ق. ۳۰۰،۹۱۱ کیلوگرم بوده که تمامی آن پيله به فرانسه صادر شد. اما در سال ۱۹۰۳م. / ۱۳۲۱ق.، ۲۳،۰۰۰ طاقه پارچه ابریشم به وزن ۱,۵۰۰,۰۰۰ کیلوگرم از ایران صادر شد.^{۵۱}

در سال ۱۳۲۳-۱۳۲۴ق. / ۱۹۰۵-۱۹۰۶م. صادرات پيله ابریشم، لاس ابریشم و تارهای شانه نشده ۳۵۷,۳۵۷، ۱,۷۰۲ قران و ۴,۲۱۹,۶۴۰ قران بوده است. این مقدار، در سال ۱۳۲۴-۱۳۲۵ق. / ۱۹۰۶-۱۹۰۷م. به ترتیب ۲,۰۲,۸۴۸، ۱۲,۸۴۸ قران و ۴,۲۱۹,۶۴۰ قران بوده است. از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۴ق. / ۱۹۰۲ تا ۱۹۰۶م. و مدتها بعد از آن، بیش‌تر ابریشم ایران به فرانسه و ایتالیا صادر می‌گردید. جدول صفحه بعد، نشان دهنده صادرات ابریشم ایران از سال ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۹ق. / ۱۹۰۷ تا ۱۹۱۱م. است.^{۵۲}

جدول ۲: صادرات ابریشم ایران (۱۳۲۵ - ۱۳۲۹ ق. / ۱۹۰۷ - ۱۹۱۱ م.)

اسم مملکت	قوی نیل ۱۳۲۶-۱۳۲۵	پیچی نیل ۱۳۲۷-۱۳۲۶	تخاقوی نیل ۱۳۲۸-۱۳۲۷	ایتائیل ۱۳۲۹-۱۳۲۸
فرانسه	۹,۸۰۶,۳۵۵ قران	۳,۹۰۸,۷۱۰	۶,۴۴۲,۷۲۰	۱۱,۲۴۳,۷۳۵
ایتالیا	۱۳,۱۹۵,۹۱۰	۶,۳۱۴,۹۷۰	۹,۲۸۱,۰۰۰	۳,۹۷۳,۶۴۰
روسیه	۱,۴۱۰,۰۷۰	۱,۱۰۱,۴۲۳	۱,۰۱۵,۱۶۰	۹۹۹,۶۶۵
عثمانی	۱۲۹,۴۵۵	۱۴,۷۰۵	۹۳,۲۰۷	۱۷۹,۵۹۵

انگلیس، بزرگ‌ترین رقیب تجاری روسیه در ایران بود و در تجارت با ایران بعد از روسیه در رتبه دوم قرار داشت. آن کشور در ارتباط تجاری خود با ایران، هدف عمده‌اش وارد کردن کالاهای اجناس انگلیسی به ایران بود. بخش کمی از اقلام صادراتی ایران به آن کشور صادر می‌شد و آن مقدار کم را بیش‌تر ابریشم، غلات و خشکبار تشکیل می‌داد. اما روسیه - که بزرگ‌ترین صادرکننده و واردکننده مال‌التجاره به ایران بود - در تجارت ایران سهم بسزائی داشت.

همان طوری که پیش‌تر هم گفته شد، روسها در وارد کردن تخم نوغان به ایران نقش داشتند و علاوه بر آن، مقداری از ابریشم ایران به آن کشور صادر می‌شد. در مجموع، می‌توان گفت که فرانسه در این اواخر (۱۳۲۰-۱۳۲۴ ق. / ۱۹۰۲-۱۹۰۶ م.) و بعد از آن در تجارت ابریشم ایران مقام اول را دارا بود و بیش‌تر ابریشم ایران به این کشور صادر می‌شد. بعد از فرانسه، ایتالیا در رتبه دوم قرار داشت. فرانسویها و ایتالیاییها از تجارت ابریشم ایران (گیلان) سود زیادی می‌بردند. آنان با دادن قرض، ۶۰ تا ۷۰ درصد قیمت و خرید به صورت سلف (پیش خرید)، سود سرشاری می‌کردند. بازرگانان و تجار کشورهای مذکور، پيله‌ها را خودشان حمل می‌کردند و در مارسی و ژن (جنوا) در اختیار واسطه‌گران و دلالان می‌گذاشتند.^{۵۳}

در سال ۱۹۰۰ م. / ۱۳۱۸ ق. کل صادرات ابریشم ایران ۱,۵۰۰,۰۰۰ روبل بود. در آن زمان روسها به دلیل اینکه ابریشم خود را تا اندازه‌ای از ترکستان فراهم می‌کردند، علاقه زیادی به ابریشم ایران نشان ندادند. بانک استقراضی، در ابتدا تمایل چندانی به ابریشم نداشت. اما بعدها با فعالیت بازرگانان فرانسوی و ایتالیائی در ایران بخصوص در گیلان، تغییر جهت داد و به وارد کردن تخم نوغان پرداخت و آن را به خرده‌فروشهای ارمنی و ترک - که با ابریشم‌کاران معامله می‌کردند - می‌داد.

بانک مذکور در تبدیل فرانک به قران (در ایران) و تبدیل قران به فرانک (در فرانسه)، سود زیادی می‌برد. از سال ۱۹۰۳-۱۹۰۴ م. / ۱۳۲۱-۱۳۲۲ ق. بانک استقراضی، اقدام به سرمایه‌گذاری در تجارت ابریشم کرد. بتدریج به جای بازرگانان ترک، ایتالیائی و فرانسوی، افراد ایرانی و ارمنی - که به بانک استقراضی وابستگی داشتند - وارد عرصه تجارت ابریشم ایران شدند. به طوری که در سال ۱۹۰۹ م. / ۱۳۲۷ ق. بانک مذکور نزدیک به یک سوم محصول پيله گیلان را خریداری کرد. البته از این مقدار فقط ۱۶ درصد متعلق به روسها بود و بقیه، از راه آن کشور مانند برخی مال‌التجاره‌های دیگر به اروپا صادر می‌گردید.^{۵۴}

محصول ابریشم ایران، تا قبل از بیماری کرم ابریشم از رونق خوبی برخوردار بود. به طوری که

در عصر قاجار، این تقسیم‌بندی کم و بیش با اندکی تغییر وجود داشت. لامبر (F. Lambert)، یکی از محققان فرانسوی، درباره گونه‌ها و نژاد نوغان ایران تحقیقاتی به عمل آورده است. وی در بررسیهای خود، نژاد نوغان ایران را به سه گونه برشمرده است:

۱- نژاد خراسانی معروف به نژاد سبزوار که پیل‌های آن درشت و به اندازه یک تخم‌مرغ کوچک می‌رسید؛

۲- نژادهای خراسان به نام نژاد تربت و نژاد مالاوان که پیل‌های آن سفید، زرد، نارنجی و یا سبز و مخروطی شکل بود؛

۳- نژادهای هراتی که پیل‌های آن درشت و نامنظم بود. از یک طرف پهن و گرد و از طرف دیگر نوکدار، زرد روشن، سفید و یا سبز بوده است.^{۵۸}

تقسیم‌بندی زیر - که براساس قیمت ابریشم در رشت در سال ۱۳۲۷ق. / ۱۹۰۹م. تهیه شده - گویای انواع ابریشم محلی است:^{۵۹}

۱- ابریشم شعربافی (خیلی اعلا)، بهترین نوع ابریشم می‌باشد. بخش عمده این نوع ابریشم، برای نساجی در یزد، کاشان و اصفهان فرستاده می‌شد.

۲- ابریشم شعربافی (اعلا) برای بغداد؛ این نوع ابریشم از نظر کیفیت در درجه دوم قرار داشت و خود به سه قسمت شامل: سه اعلا ممتاز، دو اعلا باب بغدادی و بغدادی علاقه‌بندی اعلا، تقسیم می‌شده است.

۳- تاجری؛ این نوع ابریشم از لحاظ کیفیت در درجه سوم قرار داشت.

۴- تائی؛ جزو ابریشم درجه سوم بوده است.

۵- علاقه‌بندی دوپل (وسط، زرد باب)؛ این نوع ابریشم، به ابریشمی گفته می‌شد که از پیل‌ه دوپل تشکیل یافته و سفت و ضخیم بود.

۶- کج؛ نوعی از ابریشم بوده که از ابریشمهای سفت و ضخیم تشکیل می‌شده است.

در سال ۱۲۶۷ق. / ۱۸۵۰م. مقدار محصول تولیدی ابریشم ایران به ۳۴۰,۰۰۰ من رسید که از این مقدار ۲۰۳,۴۰۰ من به خارج صادر شد. اما بعد از سرایت بیماری ابریشم با افت شدید روبرو گردید. به شکلی که در سال ۱۲۹۴ق. / ۱۸۷۷م. ابریشم ایران به ۳۳,۸۰۰ من رسیده بود که مقدار ۱۴,۰۰۰ من از آن به گیلان تعلق داشت. در مجموع باید گفت که سه چهارم ابریشم تولیدی ایران به خارج صادر می‌شده است.^{۵۵}

انواع و قیمت ابریشم در عصر قاجار

ابریشم ایران در طول دوران گذشته‌اش، از انواع مختلف برخوردار بوده است و قیمتش به نسبت نوع آن تفاوت داشته است. ویلم فلور (W. Flour) با تکیه بر منابع و سفرنامه‌های دوره صفویه، پنج گونه ابریشم را ذکر کرده است:^{۵۶}

۱- ابریشم درجه یک که به ابریشم میلانی (نوع فوق‌العاده گیلان) شهرت داشت و با ارزش‌ترین ابریشم به شمار می‌آمد؛

۲- ابریشم شعربافی (زربفت)؛

۳- ابریشم لاجی که مورد علاقه بازرگانان بود و بهترین نوع آن در رشت به عمل می‌آمد. این ابریشم را، احتمال می‌دهند که نام خود را از لاهیجان گرفته باشد و به ابریشم خرواری شهرت داشت و اروپائیان آن را لاکلی یا لیژی می‌خواندند؛

۴- ابریشم شیروانی، این نوع ابریشم کیفیت ابریشم لاجی را نداشت؛

۵- ابریشم لاس - که کم ارزش‌ترین انواع آن به حساب می‌آمد - در مازندران تولید می‌شد.

غیر از تقسیم‌بندی فوق، ابریشم را در دوره‌های بعدی، براساس کیفیت محصول و قیمت آن درجه‌بندی کرده‌اند که از آن جمله عبارت است از: شعربافی، اعلا، تاجری، علاقه‌بندی دوپل، کج و میلانی.^{۵۷}

بهترین نوع ابریشم، در رشت و اطراف آن به عمل می‌آمد.^{۶۰} روستاهای نزدیک سفیدرود مانند رشت آباد، فوشتوم، ابراهیم سرا و چلاب در کنار چپ سفیدرود و بازگی گوراب، کسوم و آستانه در ساحل راست رود، تولید می‌شد. البته در شفت و فومن، لنگرود، گسکر و تالش هم مقداری ابریشم به عمل می‌آمد. به طور کلی مراکز فروش تخم نوغان - که در عین حال محل تولید ابریشم هم بود - شامل رشت، لاهیجان (گیلان)، بارفروش و ساری (در مازندران)، بجنورد، سبزوار و تربت (در خراسان) و کاشان و یزد در مرکز کشور بود.^{۶۱}

ابریشم، در تمام فصول سال بخصوص در فصل تابستان و هنگام بهره‌برداری در شهریور و اوایل مهر (پایان ژوئن تا سپتامبر) به فروش می‌رسید. فصل تولید و بهره‌برداری ابریشم، بهار و تابستان بود. واحد وزن در فروش ابریشم، درهم بود که برابر با ۳۰/۱۶ گرم بوده است. درهم، معادل ۶/۴۰ مثقال و هر مثقال ۴/۶۴ گرم بود.^{۶۲}

در امر خرید و فروش تخم نوغان و پیله ابریشم، علاوه بر تجار داخلی، بازرگانهای خارجی و اروپائی هم نقش داشتند. بسیاری از اروپائیها بخصوص مردم اروپای شرقی، یونانیها و فرانسویها، به علت اشتغال به تجارت ابریشم در شهر رشت زندگی می‌کردند. تجارتخانه‌هایی که در کار تجارت ابریشم فعال بودند مانند رالی، طومانیانس و لاسقاریدیس، بیش‌تر در فصل عرضه ابریشم کار می‌کردند. بانک استقراضی و بانک شاهنشاهی در مناطق شمال ایران، رشت، بارفروش و استرآباد، شعبه‌هایی داشتند. بویژه در شهر رشت نمایندگان آنها برای تنظیم معاملات بازرگانی بخصوص در باب ابریشم تلاش می‌کردند.^{۶۳} افرادی با نامهای طوفان خرده‌فروش و عمده‌فروش، در خرید و فروش ابریشم مشغول بودند. طوفان، در واقع دوره‌گرد محلی بودند که بعد از جمع‌آوری پیله به روستاها می‌رفتند.

قیمت ابریشم همانند اروپا به دلیل تقاضا از ناحیه کارخانه، فراوانی یا کمبود این کالا در بازار، متغیر بود. در سال ۱۸۴۰م. / ۱۲۵۶ق. ابریشم فوق‌العاده گیلان (میلانی) - که بخصوص برای بازار تبریز تولید می‌شد - از ۲۸ قران در هر کیلوگرم به ۳۲ قران، ابریشم شعربافی از ۲۵ قران به ۲۷ قران، ابریشم اعلا از ۲۱ قران به ۲۲ قران، ابریشم تاجری از ۲۰ قران به ۲۷ قران و ابریشم پسمانده از ۴ قران به ۵ قران رسید (در آن زمان قران معادل یک فرانک بود). در تابستان ۱۸۵۷م. / ۱۲۷۴ق. قیمت انواع ابریشم بدین قرار بوده است: هر کیلوگرم ابریشم درجه اول، ۴۵ تا ۵۸ فرانک به دست فروشندگان محلی به فروش می‌رفت. هر کیلو ابریشم که برادران رالی (یونانی) می‌فروختند، ۵۴ تا ۵۰ فرانک قیمت داشت. ابریشم درجه دوم، هر کیلوگرم به ۴۲/۵۰ فرانک و درجه سوم، ۴۰ فرانک و درجه چهارم، ۲۲/۷۵ فرانک به فروش می‌رسید.^{۶۴}

در سال ۱۸۶۴ و ۱۸۶۵م. / ۱۲۸۱ و ۱۲۸۲ق. قیمت هر کیلوگرم ابریشم تا ۵۰ فرانک بالا رفت و در طول سالهای ۱۸۶۴-۱۸۶۶م. / ۱۲۸۱-۱۲۸۳ق. قیمت آن به ۶۵ فرانک و حتی ۷۰ فرانک افزایش پیدا کرد. دلیل این رشد، کاهش محصول ابریشم اروپا بود؛ هرچند بعدها قیمتها تنزل یافت.^{۶۵} از سال ۱۸۶۶-۱۸۶۷م. / ۱۲۸۳-۱۲۸۴ق. قیمت ابریشم سقوط کرده و به شکل زیر در آمده بود:^{۶۶}

- ۱۸۶۶-۱۸۶۷م. / ۱۲۸۳-۱۲۸۴ق. هر کیلوگرم ۱۹ فرانک (هر جعبه ۵ فرانک)؛

- ۱۸۷۱م. / ۱۲۸۸ق. هر کیلوگرم ۱۲/۵۰ تا ۲۵ فرانک؛

- ۱۸۷۲م. / ۱۲۸۹ق. هر کیلوگرم ۱۴ فرانک؛

- ۱۸۷۸م. / ۱۲۹۵ق. هر کیلوگرم ۱۳ فرانک؛

- ۱۸۹۵م. / ۱۳۲۳ق. هر کیلوگرم ۳۳ تا ۲۴ فرانک؛

- ژانویه ۱۹۰۷م. / ذیقعدۀ ۱۳۲۵ق. هر کیلوگرم

۳۳/۳۰ فرانک (ابریشم امین‌الضرب).

هر کیلوگرم ابریشمهای شعربافی ۲۴ تا ۲۶/۶۰ فرانک، تاجری ۲۴ فرانک، تائی ۲۱/۶۰ فرانک، علاقه‌بندی ۲۰ فرانک و ابریشم دوپیل ۱۳/۳۰ فرانک بوده است. ابریشمی که از تخم نوغان ژاپن و نیز ابریشمی که از پیله بومی به عمل می‌آمد، گران و کمیاب بود. بعدها در سال ۱۹۰۹ م. / ۱۳۲۷ ق. قیمت‌ها نسبت به گذشته تا حدی بهبود یافت و صعود کرد.^{۶۷}

ابریشم ایران، به شکل‌های گوناگون به کشورهای دیگر صادر می‌شد. مهم‌ترین آنها به قرار زیر بوده است:^{۶۸}

۱- پیله ابریشم و لاس ابریشم و تارهای شانه شده یا شانه نشده است؛

۲- ابریشم روی پیله و ابریشم مخلوع و ابریشم رنگ شده یا بیرنگ؛

۳- بافته‌های ابریشمی، در قالب انواع پارچه‌های ابریشمی، مخملی و زربفت و انواع قالی و قالیچه‌های ابریشمی.

از میان اقلام فوق، پیله ابریشم، لاس و منسوجات ابریشمی خالص، در صادرات اهمیت بیشتری داشتند.^{۶۹}

موارد استعمال ابریشم

بافتن منسوجات ابریشمی، از زمان اشکانیان در ایران رواج داشته است. در عصر قاجار در خراسان بویژه در مشهد و نیز در یزد، دستگاه‌های ابریشم‌بافی وجود داشت. مخمل‌های ایرانی از شهرت بسزائی برخوردار بوده است. بهترین نوع مخمل در ایران، در کاشان و یزد بافته می‌شد. یک نوع پارچه در این دو شهر بافته می‌شده که به نام «دارائی» معروف بوده و به خاطر نقشه‌های شعله مانندش، از مرغوبیت خوبی برخوردار بوده است. علاوه بر این، شال‌های کاشان مشهور به شال‌های حسینقلی‌خان

(از نقاشان معروف) شهرت خاصی داشته است. منسوجات ابریشمی خالص در ایران به دلیل قانون شریعت اسلامی برای مردها بخصوص در هنگام نماز خواندن حرام بود و به خارج صادر می‌شد. در کل، منسوجات ابریشمی که در داخل به مصرف می‌رسید، با پنبه مخلوط می‌گردید.^{۷۰}

به طور کلی، ابریشم ایران علاوه بر کاربرد در صنایع نساجی و تولید انواع پارچه‌های ابریشمی و مخملی زربفت، در بافت انواع قالی و قالیچه‌های ابریشمی مورد استفاده قرار می‌گرفت. این محصول، از گذشته‌های دور تا عصر قاجار در تولید لباس، دستمال، شال و یا حتی در بافت خیمه‌ها و چادرهای ابریشمی، پوشش و زینت اسب‌های سواری سپاه و پادشاهان، همواره مورد توجه بوده است.

در عصر قاجار، بعد از آنکه در سال ۱۸۶۴ م. / ۱۲۸۱ ق. ابریشم به حد اعلای رشد و ترقی خود رسید، با بروز بیماری کرم ابریشم مانند پیدین، عملکرد نامناسب دولتمردان ایران و به دنبال آن، ورود بی‌رویه منسوجات صنعتی ارزاقیمت اروپا بخصوص انگلستان و روسیه و نیز برخی مسائل جانبی نظیر عوارض گراف گمرک روسیه بر سر صادرات این محصول به برخی از کشورهای اروپائی از طریق روسیه و بویژه دریای خزر، باعث گردید که به‌رغم آنکه تخم نوغان از عثمانی (بورسا و خانقین) و ژاپن وارد کشور می‌شده، هیچگاه به رشد و ترقی دوران گذشته‌اش نرسد. در نتیجه، بسیاری از پرورش‌دهندگان و تولیدکنندگان ابریشم ایالات شمال بویژه گیلان از سال ۱۸۷۵ م. / ۱۲۹۲ ق. بتدریج به کشت محصولات دیگر از جمله توتون، زیتون، خشخاش و بخصوص برنج‌کاری روی آوردند.^{۷۱}

نتیجه

با همه فراز و نشیب‌هایی که ابریشم در طول تاریخ

ایران داشته است، همواره به عنوان یکی از اقلام مهم صادراتی ایران به شمار می‌آمده است. بخصوص از زمان صفویه و توجه شاهان آن سلسله به این کالا، جایگاه ویژه‌ای پیدا کرد. به طوری که بسیاری از کشورهای اروپائی نظیر پرتغال، هلند، انگلستان و فرانسه، علاقه خاصی به ابریشم ایران نشان دادند. ارزش بالای ابریشم و جذابیت خاص آن، باعث شد که در ایالات ابریشم‌خیز بویژه گیلان از مردم به جای مالیات، ابریشم دریافت شود. حتی در آذربایجان بخصوص تبریز در دوران کاهش مسکوکات، از ابریشم به جای پول استفاده می‌شد.

به هر حال در عصر قاجار همانند گذشته، ابریشم ایران بخصوص گیلان، توجه بسیاری از کشورهای اروپائی را به خود جلب کرد. کشورهای نظیر انگلستان، روسیه، عثمانی، فرانسه، ایتالیا و یونان، در تجارت ابریشم ایران نقش داشتند. ابریشم ایران علاوه بر آنکه از طریق خلیج فارس صادر می‌شد، بخش اعظمی از آن از راه دریای خزر به روسیه و برخی از کشورهای اروپائی صادر می‌گردید. یافته‌های موجود در این پژوهش (مقاله) و اسناد و مدارکی که بدان اشاره گردید، تجارت ابریشم و تحولات این محصول نفیس و گرانبها را در عصر قاجار بخوبی آشکار می‌سازد. بنابراین، تجارت ابریشم در دوره قاجار همانند گذشته (دوره صفویه)، از رونق خاصی برخوردار بوده است. هرچند طی مدتی به واسطه بیماری کرم ابریشم با رکود مواجه گشت؛ با این وجود با اقدامات دولت و دست‌اندرکاران ابریشم، محصول مذکور دوباره ترقی پیدا کرد.

بخشی از تجارت ابریشم، از راه دریای خزر و بنادر آن به روسیه و اروپا صورت می‌گرفته است. بتدریج در اواخر دوره قاجاریه (در آستانه جنگ جهانی اول به بعد)، صادرات محصول ابریشم شکوفائی گذشته خود را از دست داد. در نتیجه،

بسیاری از مناطق تولید و کشت ابریشم بخصوص گیلان، مازندران و استرآباد، به کشت محصولات دیگر نظیر توتون و تنباکو، پنبه و بویژه برنج روی آوردند.

◆ پی‌نوشتها

- ۱- جهانبخش ثواب، «ابریشم گیلان» پژوهشنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۴۳، (تابستان ۱۳۸۱) صص ۱۴۶ و ۱۴۷ و ۱۴۸.
- ۲- نیکولو، مارکوپولو، سفرنامه مارکوپولو، ترجمه حبیب‌الله صحیحی (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۰)، صص ۳۱ و ۳۵.
- ۳- آلفونس گابریل، تحقیقات جغرافیائی راجع به ایران، ترجمه فتحعلی‌خواجه‌نوری، تصحیح همایون خواجه‌نوری (تهران: سینا، ۱۳۴۸)، صص ۵۶، ۵۷ و ۵۸.
- ۴- راجرسیوری، ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، چاپ ۲ (تهران: سحر، ۱۳۶۶)، ص ۱۷۶.
- ۵- ثواب، پیشین، ص ۱۵۲.
- ۶- هر بقچه، ۶۱۲ لیور وزن داشته و هر لیور، معادل نیم کیلوگرم بوده و هر عدل (لنگه)، ۲۷۶ لیور و معادل ۱۳۸ کیلوگرم بوده است.
- ۷- احمد تاجبخش، سیاستهای استعماری روسیه تزاری، انگلستان و فرانسه در ایران (در نیمه اول قرن نوزدهم میلادی) (تهران: اقبال، ۱۳۶۲)، ص ۲۶۴.
- ۸- محمدعلی جمالزاده، گنج شایگان (تهران: کتاب تهران، ۱۳۶۲)، صص ۲۴ و ۲۵.
- ۹- جرج.ن. کرزن، ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، چاپ ۴ (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳)، جلد ۱، ص ۴۸۶؛ جمالزاده، پیشین، ص ۲۴.
- ۱۰- تاجبخش، پیشین.
- ۱۱- مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، شماره سند ۱۶-۳-۱۲۵۲ق. (سند سال ۱۲۵۲ق. درخصوص تجارت ابریشم).
- ۱۲- همان، شماره سند ۲۸-۳-۱۲۵۳ق. (سند سوم ذیقعه

- ۱۲۵۳ق. درخصوص گزارش وزیر امور خارجه ایران به وزیر مختار روس).
۱۳- تاجبخش، پیشین.
- ۱۴- چارلز عیسوی، *تاریخ اقتصادی ایران در عصر قاجار (از ۱۸۰۰ تا ۱۹۱۴م.)*، ترجمه یعقوب آژند، چاپ ۲ (تهران: نشر گستره، ۱۳۶۹)، ص ۳۵۵.
- ۱۵- جمالزاده، پیشین، ص ۲۵.
- ۱۶- ف. لافون و ه. ل. رابینو، *صنعت نوغان در ایران*، ترجمه جعفر خمایی‌زاده (تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۲)، ص ۱۰۱.
- ۱۷- عیسوی، پیشین، صص ۳۵۵ و ۳۵۶.
- ۱۸- فریدون آدمیت و هما ناطق، *افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشره نشده دوران قاجار* (تهران: آگاه، ۱۳۵۶)، ص ۲۸۰.
- ۱۹- همان.
- ۲۰- جمالزاده، پیشین.
- ۲۱- عیسوی، پیشین؛ جمالزاده، پیشین.
- ۲۲- جمالزاده، پیشین، ص ۲۷؛ عیسوی، پیشین.
- ۲۳- جمالزاده، پیشین، ص ۲۵.
- ۲۴- عیسوی، پیشین.
- ۲۵- جمالزاده، پیشین، ص ۲۷.
- ۲۶- مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، شماره سند ۸-۱۵-۲۹۳ق. (سند رمضان سال ۱۲۹۳ق.)، در مورد حکم ممنوع بودن حمل تخم نوغان به خارج، به سفرای دول متحابه و کارگزاران گیلان، سبزووار و غیره).
- ۲۷- عیسوی، پیشین، ص ۳۵۶.
- ۲۸- مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، شماره سند ۱۷-۱۰-۱۲۷۹-۱۲۸۰ق. (سند مربوط به خواجه گریگور، تبعه عثمانی در مورد کارخانه ابریشم‌کشی ۱۲۷۷ق.)؛ آدمیت و ناطق، پیشین، صص ۲۸۰-۲۸۳.
- ۲۹- جمالزاده، پیشین.
- ۳۰- مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، شماره سند ۱۸-۲۹-۱۳۱۷ق. (سند سواد حکم وزارت امور خارجه به کارگزار گیلان، ۲۲ صفر ۱۳۱۷ق.).
- ۳۱- همان سند.
- ۳۲- همان، شماره سند ۲۰-۲۹-۱۳۱۷ق. (سند مورخ ۲۲ ذیحجه ۱۳۱۷ق.)، درخصوص گزارش مجلس مشاوره وزارت امور خارجه در مورد مسیو رمادی یونانی؛ همان، شماره سند ۸-۳۱-۳۲۱ق. (سند سواد کاغذ وزارت امور خارجه به کارگزار گیلان در تاریخ ۱۸ صفر ۱۳۲۱ق.)، درخصوص اختلاف لاسقاریدیس و مسیو پهناجی).
- ۳۳- همان، شماره سند ۱۸-۲۹-۱۳۱۷ق. (سند ۴ شهر ذی‌قعدة ۱۳۱۷، درخصوص سواد کاغذ وزارت امور خارجه به منتظم‌الملک، کارگزار گیلان).
- ۳۴- همان، شماره سند ۲۰-۲۲-۱۳۱۷ق.، (اسناد مربوط به تجارتخانه طومانیانس).
- ۳۵- جمالزاده، پیشین.
- ۳۶- همان، شماره سند ۱-۳۱-۱۰-۱۳۲۱ق.
- ۳۷- همان، شماره سند ۱۴-۲۵-۶-۱۳۲۳ق.
- ۳۸- جمالزاده، پیشین، ص ۲۵.
- ۳۹- مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، شماره سند ۷۸-۲۵-۵-۱۳۲۳ق.
- ۴۰- همان سند.
- ۴۱- همان، شماره سند ۴-۲۵-۵-۱۳۲۳ق.
- ۴۲- همان، شماره سند ۷۰-۲۵-۵-۱۳۲۳ق.
- ۴۳- همان سند.
- ۴۴- همان سند.
- ۴۵- جمالزاده، پیشین، صص ۸۴ و ۸۵.
- ۴۶- همان، ص ۸۳.
- ۴۷- مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، شماره سند ۲۲-۵-۵-۱۳۲۳ق.؛ شماره سند ۹۵-۶-۲۹-۱۳۲۴ق.
- ۴۸- همان، شماره سند ۹۲ و ۹۱-۵-۲۰-۱۳۲۳ق.، درخصوص کانکلاری، تاجر یونانی تبعه فرانسه).
- ۴۹- همان، شماره سند ۹۳-۶-۲۹-۱۳۲۴ق.

- ۵۰- همان، شماره سند ۱۴۵-۶-۲۹-۱۳۲۴ق.
- ۵۱- همان، شماره سند ۱۳۷-۵-۲۵-۱۳۲۳ق.
- ۵۲- جمالزاده، پیشین، ص ۲۶.
- ۵۳- مروین ل. انتر، روابط بازرگانی روس و ایران (۱۸۲۱-۱۹۱۴م.)، ترجمه احمد توکلی (تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار یزدی، ۱۳۶۹)، ص ۱۲۲.
- ۵۴- همان، صص ۴۲ و ۱۲۳.
- ۵۵- جمالزاده، پیشین، ص ۲۵.
- ۵۶- ویلم فلور، اولین سفرای ایران و هلند، به کوشش داریوش مجلسی و حسین ابوترابیان (تهران: طهوری، ۱۳۵۶)، صص ۳۶ و ۳۷.
- ۵۷- لافون و رابینو، پیشین، ص ۱۱۲.
- ۵۸- تقی بهرامی، تاریخ کشاورزی ایران (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۰)، ص ۱۰۳.
- ۵۹- لافون و رابینو، پیشین؛ عیسوی، پیشین، ص ۳۶۴؛ جمالزاده، پیشین، ص ۲۹.
- ۶۰- جمالزاده، همان، ص ۲۷.
- ۶۱- عیسوی، پیشین، صص ۳۶۳ و ۳۶۴.
- ۶۲- جمالزاده، پیشین؛ عیسوی، پیشین، ص ۳۶۴.
- ۶۳- ه. ل. رابینو، ولایات دارالمرز ایران، گیلان، ترجمه جعفر خمami زاده، چاپ ۳ (رشت: طاعتی، ۱۳۶۶)، صص ۹۰ و ۹۱؛ انتر، پیشین، صص ۱۲۲ و ۱۲۳.
- ۶۴- عیسوی، پیشین، ص ۳۶۵.
- ۶۵- لافون و رابینو، پیشین، ص ۱۱۴؛ عیسوی، پیشین.
- ۶۶- عیسوی، پیشین.
- ۶۷- همان، صص ۳۶۵ و ۳۶۶.
- ۶۸- جمالزاده، پیشین، ص ۲۵.
- ۶۹- همان.
- ۷۰- همان، ص ۷۹.
- ۷۱- کرزن، پیشین، ص ۴۸۵؛ جمالزاده، پیشین.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

